

از تفاهم با جامعه جهانی تا تفاهم با ملت ایران

جبهه ملی ایران در تاریخ دهم اسفند ماه ۱۳۹۳ زمانی که مذاکرات جمهوری اسلامی با گروه کشورهای ۵+۱ هنوز به جایی نرسیده بود، نامه سرگشاده‌ای به آقای روحانی رئیس جمهوری نوشت که در قسمت پایانی آن نامه این جملات به چشم میخورد:

«معلوم نیست که در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات، سرنوشت این کشور و روزگار این ملت به کجا خواهد کشید. در چنین شرایطی برخی عناصر، با ناآگاهی و یا سوءنیت با روند مذاکرات دولت مخالفت نموده و با شعارهای واهی و توخالی نسبت به گفتگوها عناد میورزند و شگفتناکه مخالفت آنان کاملاً با مخالفت دولت اسرائیل و جناح تندرو و محافظه کار حاکمیت آمریکا همسو میباشد. در این اوضاع شما نمیتوانید و نباید از مصالح ملی و تامین منافع مردم ایران کوتاه بیاورید و این کشور و این ملت را به دست رویدادها و حوادث ناپایدا بسپارید. هیچ کشوری در جهان دوست و دشمن ابدی ندارد و در هر زمان تامین و حفظ منافع ملی کشورهاست که دوستان و دشمنان آن‌ها را معین میکند. امروز حفظ تمامیت ارضی و تامین صلح و امنیت این مرز و بوم و رفع بحران و مضایق اقتصادی، اصول اولیه منافع ملی ما را تشکیل میدهند. مذاکرات را در جهت حفظ منافع ملی ایران پیش ببرید تا در این دوراهی سرنوشت سازی که کشور با آن روبروست بتوانید با توافقی منطقی خدمتی به ملت ایران نموده و از خود نامی نیک در تاریخ باقی بگذارید. بدیهیست که در پیمودن راه صحیح باید با قاطعیت عمل نموده و از مخالفت خوانی های افراد معدود با افکار محدود نهراسید.»

امروز بیش از یک سال و نیم از تاریخ ارسال آن نامه سرگشاده میگذرد. در طی این مدت توافقی نامه وین بین دولت جمهوری اسلامی و کشورهای ۵+۱ و نماینده اتحادیه اروپا تحت نام «برنامه جامع اقدام مشترک» یا

برجام به انجام رسیده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطع نامه ۲۲۳۱، قطع نامه‌های پیشین خود را در مورد تحریم های ایران منغی کرده است. توافقی نامه از سد سدید کنگره آمریکا نیز عبور کرده و سازمان جهانی انرژی اتمی نیز اقدامات لازم برای راستی آزمایی و تایید صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران به عمل آورده و مجلس شورای اسلامی نیز بر توافقی نامه برجام مهر تایید نهاده است و بالاخره در روز ۲۶ مهر ماه سال گذشته فرمان لغو تحریم ها از طرف رئیس جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا صادر گردید و زمینه ای مساعد برای به فرجام رسیدن برجام مهیا گشت.

اما متأسفانه تحركات بی معنی و اتخاذ مواضع نا صحیح از طرف افراد غیر مسئول در ایران و مخالفت های آشکار و پنهان جناح های تندرو و جنگ طلب در برخی از کشورهای طرف مقابل، اجازه نداده که اثرات ملموس و موثری از لغو تحریم ها و سرمایه گذاری خارجی در ایران حس شود. و این در شرایطی است که ملت ایران با ناهنجاری های اقتصادی دست و پنجه نرم می کند. این ملت انتظار داشته دارد و روز شماری می کرد می کند که با رفع تحریم ها و آزاد شدن کامل دارائی های بلوکه شده و جذب سرمایه گذاری های خارجی از رکود تورمی و فقر و بیکاری رهایی پیدا کند. این انتظار ملت بی جا نیست.

و علی القاعده با ورود میلیاردها دلار پول های حبس شده و آزاد شدن صادرات نفتی و غیرنفتی و ارتباط با بازارهای جهانی باید این امکانات به وجود آید. که هزاران پروژه عمرانی متوقف شده و ناتمام راه اندازی شده و سرمایه گذاری در بخش تولید صورت گرفته و با ایجاد کار و فعالیت های تولیدی و عمرانی، وضعیت اقتصادی کشور متحول شود و از نابسامانی های کنونی نجات یابد. بدیهی است که این چشم انداز مورد انتظار وقتی امکان تحقق پیدا

می کند که از کار شکنی ها و سنگ اندازی های ابهام برانگیز افراد معدود که ایران را ناامن و نامطمئن برای سرمایه گذاری وانمود میکنند و بهانه لازم برای ترسانیدن و منصرف کردن سرمایه گذاران و طرف های غربی توافقی نامه برجام فراهم میکنند جلوگیری به عمل آید. و باز هم بدیهی است که هزینه کردن منابع مالی حاصل از آزاد شدن سرمایه های مسدود شده و ورود سرمایه گذاری های احتمالی به کشور باید به صورتی درست و مدبرانه و در جهت منافع ملی و ایجاد زیر ساخت های اقتصادی ایران مدیریت و برنامه ریزی گردد. از فساد گسترده که مانند چاه و بیل همه امکانات مالی کشور را می بلعد، صادقانه و قاطعانه جلوگیری شود و از حاتم بخشی های نامعقول به این جا و آن جا پرهیز گردد.

واضح است که استفاده از این امکانات برای ملت ایران بسیار مغتنم تر و بسیار واجب تر است که گفته اند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. مضافاً بر این که این بذل و بخشش ها اتهاماتی مثل کمک به تروریسم و دخالت در مناقشات منطقه ای را به دنبال می آورد که چه بسا کل تفاهم بین المللی را دچار تزلزل و مخاطره نماید.

صرف نظر از مسائل اقتصادی اگر به کیفیت و چگونگی تفاهم و توافقی هسته ای بین دولت جمهوری اسلامی و قدرت های جهانی تمرکز و مذاقه نمائیم، به روشنی در میابیم که گره کور فعالیت هسته ای ایران توانست با انعطاف همه طرف های مذاکره کننده و با بحث و گفتگو حل و فصل گردیده و به نتایج مثبتی دسترسی پیدا کند و افاق های جدیدی را در برابر جمهوری اسلامی و جهانیان بگشاید. نتایج این مذاکرات این سؤال را به اذهان مردم ایران متبادر می سازد که چگونه است که حاکمیت جمهوری اسلامی میتواند با قدرت های جهانی به نحوی متمدانه

پس از پنج سال

نشریه درون سازمانی پیام جبهه ملی ایران پس از پنج سال وقفه دوره جدید انتشار خود را از سر میگیرد. آخرین شماره این نشریه با شماره ۱۸۶ در مهرماه ۱۳۹۰ منتشر گردید. در همان زمان یک بیانیه تحلیلی اقتصادی از طرف جبهه ملی ایران منتشر شد، که در آن به بخش‌هایی از فساد مالی در دستگاه‌های دولتی و حیف و میل اموال عمومی اشاره شده بود. به دنبال انتشار آن بیانیه تهاجم و فشار علیه جبهه ملی ایران به شدت افزایش یافت. ده‌ها نفر از مسئولین و اعضای شورای مرکزی و کادریهای تشکیلاتی جبهه ملی مورد احضار و تهدید مکرر قرار گرفتند و آقای دکتر علی رشیدی اقتصاد دان فرهیخته کشور و عضو هیئت رهبری جبهه ملی ایران محاکمه و زندانی گردید. تشکیل جلسات جبهه ملی در منازل اعضا هم ممنوع اعلام شد. فشارها بر جبهه ملی ایران دائما افزایش یافت. تا آن جا که در آذر ماه سال گذشته برای جلوگیری از تشکیل جلسه شورای مرکزی در منزل آقای ادیب برومند رئیس شورای مرکزی، منزل ایشان توسط پلیس امنیت محاصره شد. و از ورود اعضای شورای مرکزی جبهه ملی به داخل منزل جلوگیری به عمل آمد.

امروز پس از گذشت ۵ سال در مجلس شورای اسلامی، از طرف قوه قضائیه و از سوی نهادهای مختلف حاکمیت و حتی توسط روزنامه‌های دولتی، فسادهای مالی بسیار گسترده تری از آنچه که در بیانیه جبهه ملی ایران به آن‌ها اشاره شده بود برملا شده و میشود. و آن چنان ارقام نجومی از فسادهای مالی ورد زبان‌ها است و در اخبار و روزنامه‌ها مندرج است که حقایق بیانیه پنج سال قبل جبهه ملی را بیش از پیش تایید می‌نماید. در طی پنج سال گذشته جبهه ملی ایران در موارد لازم نظرات خود را به شکل بیانیه‌های مختلف ابراز نموده است. و اکنون دوره جدید نشریه درون تشکیلاتی را برای اظهار عقاید خود با شماره ۱۸۷ منتشر می‌نماید.

جبهه ملی ایران، آزادی و مردم سالاری را مادر همه پیشرفت‌ها و عامل اصلی توسعه و اقتدار ملی میداند. بدون تحقق آزادی‌ها هیچگونه تعالی و شکوفائی اقتصادی و اجتماعی و علمی قابل تصور نیست. بدون برقراری آزادی ریشه فساد قطع شدنی نیست.

جبهه ملی ایران خانه سیاسی دکتر محمد مصدق است. چراغ این خانه هرگز خاموش نخواهد شد.

آیا سیاست ازدیاد جمعیت به صلاح کشور است؟

توجه و پیگیری قرار گیرد. باید دانست که جهانیان همگی مسافر یک کشتی هستند که هرگونه خللی در این کشتی باعث غرق شدن همه مسافران باهم خواهد گردید.

جمعیت کشور ما ایران در سال ۱۳۰۰ خورشیدی حدود ۸ میلیون نفر بوده است. البته این جمعیت نسبت به سال‌های قبل از آن کاهش داشته، زیرا در جریان قحطی دو ساله ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ خورشیدی آن طور که گفته شده حدود چهل درصد از مردم ایران در اثر گرسنگی جان خود را از دست داده‌اند. به هر حال جمعیت ۸ میلیونی ایران تا زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷ یعنی طی مدت ۵۹ سال از ۸ میلیون به حدود ۳۵ میلیون نفر رسیده است. و در حال حاضر که ۳۸ سال از انقلاب گذشته نزدیک به ۸۰ میلیون نفر است. باید به یاد داشت که فقط حدود یک درصد از سطح خشکی‌های جهان به ایران تعلق دارد و جمعیت ایران هم اکنون هم نسبت به سهمی که به طور متوسط از نظر وسعت خاک میتواند داشته باشد فزونی نشان میدهد. بنابراین افزایش جمعیت کنونی در ایران به معنی پیشی گرفتن مجدد جمعیت کشور نسبت به جمعیت متوسط جهانی در مقایسه با وسعت خاکی که در اختیار دارد خواهد گردید. و این مزید بر مشکلات و نارسائی‌هاییست که ایران از نظر درون‌کشوری در اثر افزایش جمعیت با آن روبرو خواهد گشت. در شرایط فعلی میلیون‌ها نفر از هم میهنان ما از داشتن مسکن قابل قبول محرومند. به گفته مقامات مسئول تغذیه میلیون‌ها نفر ناکافی و با انواع کمبودها مواجه است. بهداشت و درمان کمبودهای چشم‌گیری دارد. فضای آموزشی در کلیه سطوح ناکافیست. معضل بیکاری در بین جوانان به ویژه جوانان تحصیل کرده اکثر خانواده‌های ایرانی را آزار میدهد. بیکاری جوانان تحصیل کرده در حدی است که بنا بر آنچه در روزنامه‌های دولتی درج شده، وقتی در شهر خرم‌آباد، شهرداری خواستار استخدام نیرو برای رفتگری می‌گردد، انبوهی از جوانان دارای لیسانس و فوق لیسانس و دکترادوطلب استخدام برای رفتگری برای شهرداری می‌شوند. واضح است که در این اوضاع ازدواج برای جوانان و تشکیل خانواده با چه مشکلاتی روبروست. کشاورزی و تولید مواد غذایی با توجه به تغییرات شرایط اقلیمی و کمبود آب با تحدید روبروست. کمبود آب در حدیست که حتی آب آشامیدنی مناسب برای اهالی خیلی از شهرها با تنگنا مواجه است. با توجه به

سطح کره زمین، همین سیاره‌ای که بنی آدم در روی آن زیست میکند بالغ بر ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد، که تنها ۲۹/۴ درصد از سطح این کره، خشکی و بقیه آن آب است. بنابر این سطحی از کره زمین که بشر میتواند بر آن قدم بنهد فقط ۱۵۰ میلیون کیلومتر مربع میباشد. و چیزی هم بر آن اضافه نشده و نخواهد شد. ۲۰۱۶ سال قبل یعنی هنگام تولد عیسی مسیح، تعداد انسان‌هایی که روی کره خاکی با این مساحت تقریباً ثابت، زندگی می‌کرده‌اند، حدود ۲۷۰ میلیون نفر برآورد شده که تا هزار سال بعد یعنی تا سال ۱۰۰۰ میلادی تغییر محسوسی نداشته و در همان حدود باقی مانده است. و از قرن یازدهم میلادی جمعیت جهان روی به افزایش نهاده است. در سال ۱۷۵۰ میلادی جمعیت کل جهان به ۷۹۱ میلیون نفر رسیده و در سال ۱۹۰۰ میلادی، در آغاز قرن بیستم، این جمعیت به یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون نفر بالغ گشته و اکنون پس از گذشت فقط یکصد و شانزده سال، جمعیت جهان در حدود هفت میلیارد و چهارصد میلیون نفر است. و در هر دقیقه هم به طور متوسط ۱۵۰ نفر بر آن افزوده می‌گردد. جمعیتی که هم اکنون و با تعداد فعلی با مشکل کمبود آب و خاک کشاورزی و کمبود غذا و نقصان بهداشت و درمان و کمبود مسکن قابل قبول و سایر کمبودها روبروست. و همه میدانند که این جمعیت با سرعت غیر قابل‌تصور در حال آلوده سازی و تخریب محیط زیست و پدیده افزایش گازهای گلخانه‌ای و افزایش درجه حرارت زمین است. آن چنان که می‌رود تا کلاً شرایط زندگی و زیست روی این سیاره را نابود نماید. با افزایش روزافزون جمعیت، بدیهی است که بروز این معضلات شتاب بیشتری خواهند گرفت و آن نقطه اسفبار نابودی شرایط زیست هر چه زودتر فرا خواهد رسید. به همین جهت بسیاری از اندیشمندان ترازید انفجار گونه جمعیت زمین را برای حفظ محیط زیست در این سیاره ویرانگرتر از انفجار اتمی دانسته‌اند. و اگر جامعه جهانی تمهیداتی برای گریز از این خطرات بالقوه نتدارک نکنند بدون شک زمین قابلیت زندگی برای نوع بشر را از دست خواهد داد. بنا بر این ضمن اقدامات ضروری برای حفظ محیط زیست، کنترل جمعیت جهان امری است که به عنوان اصلی‌ترین اقدام برای محفوظ نگاهداشتن شرایط زندگی در روی زمین باید توسط مجامع جهانی به شدت مورد

مفهوم انتخابات آزاد و آزادی انتخابات وسرچشمه آن

جمعیت این نکات روشن، آیا سیاست تشویق ازدیاد جمعیت کشور سیاستی درست و توأم با واقع بینی است؟ و یا تجدید نظر در آن به مصلحت کشور و نسل های آینده خواهد بود؟ اگر تشویق نمودن مولید به جهت جلوگیری از پیر شدن جمعیت کشور مثلاً ظرف ۲۰ سال آینده باشد، باید گفت که این ازدیاد نفوس در هر زمان هم که متوقف شود و در هر وقت دیگری که کنترل جمعیت ضرورت یافته و مد نظر قرار بگیرد بازهم پس از دو دهه، کاهش نسبی نیروی جوان پدیدار خواهد گشت. و بنا بر این سیاست افزودن به جمعیت و تشویق مولید برای جلوگیری از کاهش نیروی جوان هیچگاه کار ساز نخواهد بود. این سیاست فقط به تنگناهای آیندگان خواهد افزود و بس.

از تفاهم با جامعه جهانی تا تفاهم با ملت ایران

ادامه از صفحه ۱

به گفتگو نشسته و به تعامل و تفاهم برسد و سایه شوم ابرهای خطرناکی را از فراز این کشور دور نماید، ولی همین حاکمیت قادر نیست در داخل کشور و با فشار ملت ایران به گفتگو بپردازد و به خواست های برحق شهروندان این کشور گوش فرا دهد؟ آیا حاکمیت نمیداند که سیاست خارجی کشور فرع بر سیاست داخلی است و باید در جهت تقویت و در خدمت سیاست داخلی کشور قرار گیرد؟ و گفتگو و تفاهم با جامعه جهانی بدون گفتگو با جامعه ایران و مردم درون کشور و رعایت آزادی های اولیه آن ها مثل آزادی احزاب و آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات یک پارادوکس است که هرگز به جایی نخواهد رسید. چرا حاکمیت به جای گفتگو با دگراندیشان و صاحبان آراء و عقاید مخالف و رعایت حقوق انسانی آنان به زور و سرکوب و تهدید متشبث میشود؟ چرا حاکمیت به حقوق اجتماعی و انسانی بانوان ایران که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند و به خواست های صنفی قشر شریف و فرهیخته معلمان و به زندگی و معیشت کارگران محروم و مطالبات برحق دانشجویان که چشم و چراغ و آینده سازان کشورند اعتنا نمی کند؟ چرا حاکمیت در صدد کنار گذاشتن سیاست مشیت آهنین و درپیش گرفتن سیاست گفتگو و تعامل و تفاهم با ملت نیست؟

است به حاکم و یا پادشاه بخشیده و در مالکیت او قرار داده و تسلط نامحدود او را بر روی آن برقرار نموده و در نتیجه حاکم مجاز است هر آنچه لازم بداند انجام دهد و فقط و فقط در برابر خداوند پاسخگویی اعمال خود است. باتکیه بر این تئوری حاکم مشروعیت قدرت و سلطه خود را مستقیماً از خداوند گرفته و در حقیقت خود را بجای خداوند قرار داده و بگونه ای غیرمستقیم ادعای خدائی مینموده است. تئوریهای حاکمیت و مشروعیت آن باتشکیل و ظهور و بسط کلیسای کاتولیک در قلب امپراطوری روم از قرن سوم میلادی به بعد جای خود را به یک تئوری جدید سپردند. پس از تشکیل کلیسای کاتولیک در روم پایه گذاران آن فعالیت های خود را آغاز و از راه های مختلف و از جمله تبلیغات بر زندگی معنوی انسان ها تسلط یافتند و قدرت معنوی و آسمانی خود را بر جامعه حاکم ساختند و پس از آن مبارزه را برای بدست آوردن قدرت زمینی و مادی و سیاسی آغاز نمودند و به رقابت با امپراطور و حاکمان روم پرداختند. کلیسا در این رقابت حامدی بود که هستی و آنچه که وجود دارد از آن خداوند است و لا غیر و خداوند خود بر آن به بر روی زمین میگذرد مستقیماً دخالت و نظارت ندارد. بلکه توسط نماینده خود که تنها در برابر او مسئول و پاسخگوست اعمال خلق و حکومت را تحت هدایت و کنترل خود دارد و آن نماینده کلیسا و پاپ در راس آن است. در نتیجه ملاحظه میگردد که در حقیقت طبق این ادعا کلیسا و پاپ بجای آفریدگار نشسته و خواهان حکومت بر بشریت اند. این نظریه عاقبت در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم میلادی به بار می نشیند و پاپ و کلیسا را بر امپراطور و مردم تحت حکومتش، هم در رابطه با زندگی معنوی و اخروی و هم در رابطه با زندگی دنیوی حاکم مینماید بگونه ای که از آن پس امپراطور مشروعیت و سندیت خود را با توسل به کلیسا و پاپ بدست میآورد و تنها امپراطوری مشروع شناخته میشود که توسط پاپ تاج بر سر او گذارده شود. (شارل ماین اولین امپراطور امپراطوری روم و ژرمنی است که در سال ۸۰۰ میلادی توسط پاپ تاج را دریافت و بسر گذارده و امپراطور مشروع شناخته شده است). از این زمان به بعد است که منافع امپراطور و اطرافیانش با منافع کلیسا و پاپ درهم آمیخته میگردد و بموازات یکدیگر قرار گرفته و حرکت میکنند. امپراطور از منافع کلیسا و کلیسا از منافع امپراطور و اطرافیانش حمایت میکند. با تضعیف کلیسای کاتولیک در قرن شانزدهم و در اثر ظهور عقاید و تئوری های جدید و بخصوص افکار روسو و منتسکیو و با وقوع پیوستن

برای درک بهتر انتخابات و هدف آن لازم است در آغاز بطور خلاصه در خصوص چگونگی پیدایش حکومت، حق حاکمیت، قدرت حاکمه و تعریف و تحولات آن از بدو پیدایش تا به حال چند کلمه ای بیان گردد. بر اساس تحقیقاتی که متخصصین و حقوقدانان و جامعه شناسان در رابطه با قدرت حاکمه و حکومت و تحولات آن در طول زمان نموده اند چنین حاصل گشته که اولین نوع قدرت حاکمه همزمان باتشکیل اولین گروه های انسانی به مفهوم آن زمان شکل گرفته که پایه و اساس آن، زور و ترس و وحشت بوده است. بدین مفهوم که قویترین و زورآورترین فرد و یا افراد گروه در راس گروه قرار میگرفته اند و باتکیه بر نیرو و یا شمشیر خود دیگر افراد گروه را تحت سیطره و فرمان خود قرار میداده اند. در این دوره از دوران تاریخ بشریت شمشیر و تکیه بر آن یعنی زور پایه و اساس مشروعیت قدرت را تشکیل میداده است. باتوجه به اینکه جوامع بشری بدون وقفه در حال تغییر و تحول کند و یا سریع بوده و هست، زمانی فرامیرسد که تکیه به شمشیر از آن پس به تنهایی برای تسلط بر گروه های انسانی کافی نبوده و از اینرو تئوری دیگری وارد زندگی اجتماعی میگردد. از این پس در دست دارنده قدرت خود را آفریدگار و مالک زمین و زمان و هر چه در آن است معرفی میکنند و در ضمن تکیه بر شمشیر، خود را مالک الرقاب دانسته که قادر است هر آنچه در توان اوست انجام دهد. در این دوران منتفعین از این نوع حکمرانی و صاحبان امتیاز طرفداران و پیروان بی چون و چرای این تئوری یعنی تئوری خدا حاکمی و یا حاکم خدائی میباشند. این نوع از حکومت را میتوان در دنیای باستان و در سیستم های حکومتی مصر (فراعنه) و دیگر سرزمین ها مشاهده نمود. با گذشت زمان و ادامه تحولات اجتماعی و بالا رفتن سطح فرهنگ و بینش، اگر نه برای همه افراد جوامع بلکه گروهی از آنان تاریخ مصرف تئوری خدا حاکمی یا حاکم خدائی پایان رسیده، بگونه ای که از این پس تکیه بر یک چنین ادعای کمک شمشیر و زور و کشتار نه اینکه کافی نبود، بلکه غیر ممکن می نمود. از اینرو صاحبان قدرت در صدد چاره جوئی بمنظور حفظ قدرت و منافع خود برآمده تئوری دیگری را ابداع نموده و بر جای تئوری قبلی قرار دادند. بر اساس تئوری جدید حق حاکمیت صاحبان قدرت از این پس ادعای خدائی را کنار گذارده و مدعی داشتن حق نمایندگی از طرف خداوند و اعمال حق حاکمیت از طرف او بر روی زمین و هر چه در آن است شدند. بر اساس تئوری جدید خداوند سرزمینی را که حاکم بر آن مسلط است با هر چه در آن

نفرین بر جنگ

زانکه هست از بد او نکبت و ناکامی و ننگ
زاده‌ی جنگ بود، لعن ابد باد به جنگ

ادیب برومند

نیست بادا به جهان اهرمن کینه و جنگ
ننگ و ناکامی و ناداری، چون سیل بلا

۷- تعبیه اطاقک هائی جهت رای دهندگان تابوتاند در انزوا مشخصات کاندیدای مورد نظر خود را بر روی تعرفه نوشته و آنرا در پاکت قرار داده و سر پاکت راسته و برای قراردادن در صندوق رای آماده نماید.

۸- قراردادن پاکت حاوی تعرفه در حضور هیئت نظارت در صندوق رای.

۹- اعلام به موقع پایان زمان رای گیری.

۱۰- گشودن در صندوق های رای در حضور اعضای هیئت نظارت و شمارش پاکت های حاوی آراء و تطبیق دادن تعداد آنها با تعداد رای دهندگانی که با امضاء جلوی نام خود در لیست انتخاباتی، شرکت خود در انتخابات را اعلام داشته اند.

۱۱- گشودن در یکایک پاکت های حاوی تعرفه های انتخاباتی و قرائت مشخصات کاندیدائی که نام او روی تعرفه ثبت گشته، در حضور اعضای هیئت نظارت.

۱۲- جمع بندی تعداد آرای هر یک از کاندیداها و اعلام تعداد آرائی که هر یک از آنان کسب نموده است.

۱۳- اعلام نام کاندیدائی که اکثریت لازم آراء را برای انتخاب شدن بدست آورده است. به عنوان نماینده مردم، کسب بیش از پنجاه در صد آراء برای انتخاب شدن لازم است در غیر این صورت باید دور دوم انتخابات برگزار گردد در این دور اکثریت نسبی آراء کافی است. جهت حفظ سلامت انتخابات، جانی برای شرکت در انتخابات از طریق وکالتنامه و یا حضور پای صندوق های سیار نباید وجود داشته باشد. باتوجه به آنچه در فوق آمد با برگزاری انتخابات در شرایط فوق میتوان مدعی انتخابات آزاد بود و منتخبین میتواناد ادعا کنند که نمایندگان واقعی ملت اندولا غیر.

ملت از طریق انتخاب نمایندگان خود حق اعمال حاکمیت خود را به آنان میسپارند و خود از راههای مختلف و بخصوص از طریق انتخاب مجدد و یا عدم انتخاب مجدد آنها بر چگونگی وصحت اعمال این حق نظارت مینمایند. نمایندگان مجلس که وکالتا از طرف موکلین خود که همگی صاحبان حق حاکمیت و رای دهندگان راد بر میگیرند از یک طرف دارای حق قانون گذاری و ناظر بر اجرای کامل و صحیح قوانین و از طرف دیگر مسئول نظارت بر عملکرد دولت مسئول در برابر آنهاست که به نوبت خود دارای اختیار نظارت بر چگونگی تعیین سیاست کلی کشور و اجرای آن از طرف قوه مجریه است. با ملاحظه ساختار سیاسی فوق مشاهده میگردد که نظارت و کنترل بر تشکیلات سیاسی، قضائی و اداری کشور از پائین هرم قدرت شروع و در جهت بالا حرکت کرده و نه برعکس. در نتیجه صاحب حاکمیت کنترل خود را از پائین به بالا اعمال مینماید. حال برای پایه گذاری یک چنین سیستم سیاسی که رژیم دموکراتیک نامیده میشود احتیاج به ساز و برگ هائی میباشد که مهمترین آنها انتخابات آزاد و سالم است که شرح زیر انجام میگردد.

ب: انتخابات آزاد چه مفهومی دارد؟

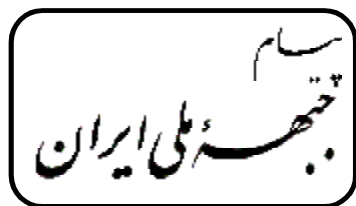
انتخابات آزاد به مفهوم امکان شرکت کلیه افراد واجد شرایط سنی و پیشینه ای است که بطور مستقیم و بدون هیچگونه محدودیت چه بعنوان کاندیدا و چه بعنوان رای دهنده در انتخابات به منظور انتخاب نمایندگان مجلس و یا رئیس قوه مجریه میباشد. برای برگزاری یک چنین انتخاباتی شرایط و امکانات زیر لازم و واجبات است.

- ۱- تقسیم بندی کشور به حوزه های انتخاباتی.
- ۲- تشکیل لیست های انتخاباتی حاوی مشخصات واجدین شرایط برای رای دادن. هر فرد واجد شرایط فقط میتواند در حوزه خود رای دهد.
- ۳- تجدید نظر سالیانه در لیست های انتخاباتی به منظور ثبت نام واجدین شرایط جدید در آنها و حذف نام انتقال مکان دادگان و متوفیان از آنها.
- ۴- تشکیل هیئت نظارت بر انتخابات در هر حوزه متشکل از نمایندگان کاندیداها.
- ۵- قرار دادن تعرفه های انتخاباتی متحدالشکل به همراه یک پاکت در اختیار هر فرد واجد شرایط که نام وی در لیست انتخاباتی درج شده است.
- ۶- ارائه کارت شناسائی معتبر توسط رای دهنده و قراردادن امضاء خود جلوی نام خود مندرج در لیست.

انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ دگرگونی بسیار عمیقی در طرز نگاه ب قدرت و تئوری حاکمیت و مشروعیت آن بوجود آمده که منتهی به تولد تئوری های حاکمیت خلق و حاکمیت ملی و اعمال آن از طریق انتخابات مستقیم و غیرمستقیم گردید. بر اساس این تئوری ها که امروزه در کشورهایی که خود را دارای رژیم سیاسی دموکراتیک میدانند و یا حد اقل مدعی داشتن چنین رژیمی هستند، تنها رژیم و حکومت و دولتی مشروع شناخته میشود که قدرت و اختیارات خود را از صاحب حاکمیت یعنی ملت با رجوع به انتخابات مستقیم که دارای روش های مختلف است کسب مینماید و در خدمت مردم و نه حاکم بر مردمند. حال با این مقدمه کوتاه به بحث در زمینه انتخابات، نحوه برگزاری و چگونگی تضمین سلامت آن میپردازیم.

الف: مهمترین و دموکراتیک ترین انتخابات

انتخاباتی مستقیم میباشد که میتواند بر حسب قانون اساسی هر کشور یک مرحله ای و یا دو مرحله ای باشد. در کنار این نوع از انتخابات، نوع دیگری نیز وجود دارد که انتخابات غیرمستقیم بوده و عموماً در سیستم های حکومتی و رژیم های سیاسی از نوع جمهوری پارلمانی برای انتخاب رئیس جمهور از آن استفاده میگردد. در اینگونه رژیم های سیاسی حق حاکمیت از آن مردم است و بر حسب اینکه قانون اساسی بر پایه تئوری دموکراسی مستقیم و یا دموکراسی بر پایه نمایندگی تنظیم شده باشد مشارکت آحاد ملت در اداره کشور و جامعه خود متفاوت است. در دموکراسی مستقیم کلیه افراد جامعه که دارای حق قانونی مشارکت در سر نوشت کشور چه از نقطه نظر سن و چه از نقطه نظر سابقه کفبری میباشند، میتوانند بدون هیچگونه محدودیتی چه در زمینه تصمیم گیری و چه در ارتباط با اجرای تصمیمات متخذه مستقیماً شرکت نمایند. این نوع رژیم «حکومت مردم بر مردم توسط خود مردم و یا دموکراسی مستقیم» نام دارد. در یک چنین سیستم سیاسی جانی برای طبقه حاکمه و طبقه محکومه یعنی برای دولت و ملت وجود ندارد زیرا در یک رژیم دموکراسی مستقیم حق حاکمیت تقسیم پذیر بوده و هر یک از افراد جامعه بخشی از حق حاکمیت را دارا میباشد و آن را خود مستقیماً با اجرا میکند. نتیجتاً از انقلاب کبیر فرانسه به بعد اصولاً سیستم دموکراسی بر پایه نمایندگی مورد توجه و قبول قرار گرفته که در آن حق حاکمیت یک کل غیر قابل تجزیه میباشد. به عبارت دیگر حق حاکمیت، حق مشترک کلیه افراد ملت بوده و غیر قابل انتقال است. بر این مبنا افراد واجد شرایط



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org